

رابطه تاب‌آوری و خودپنداشت با خودکارآمدی معلولان جسمی دختر: نقش واسطه‌ای خلاقیت

The Relationship of Resiliency and Self-Concept with Self-Efficacy of Handicapped Females: The Mediating Role of Creativity

Maliheh Gilak
MA in Clinical Psychology

Ali Z. Mohammadi, PhD
Shahid Beheshti University

علی زاده محمدی
استادیار دانشگاه شهید بهشتی

ملیحه گیلک

کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی

Fariborz Bagheri, PhD

Islamic Azad University
Research and Science Tehran Branch

فریبرز باقری

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی
واحد علوم و تحقیقات تهران

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تعیین نقش پیش‌بینی‌کنندگی تاب‌آوری و خودپنداشت با میانجی‌گری خلاقیت بر میزان خودکارآمدی معلولان جسمی دختر ۱۵ سال به بالای شهرستان گرگان در سال ۱۳۹۰ انجام شد. ۷۱ نفر به مقیاس تاب‌آوری کانر-دیویدسون (۲۰۰۳)، آزمون خودپنداشت راجرز (۱۹۵۱)، پرسشنامه خلاقیت عابدی (۱۳۷۱) و مقیاس خودکارآمدی عمومی شرر (۱۹۸۲) پاسخ دادند. نتایج مدل‌یابی معادلات ساختاری نشان دادند که اثر غیرمستقیم تاب‌آوری و خودپنداشت با میانجی‌گری خلاقیت در بعد سیالی و ابتکار معنادار و اثر تاب‌آوری بر خودکارآمدی از طریق خلاقیت در بعد انعطاف‌پذیری معنادار نیست. همچنین اثر خودپنداشت بر خودکارآمدی به واسطه خلاقیت در بعد انعطاف‌پذیری معنادار و اثر تاب‌آوری و خودپنداشت بر خودکارآمدی به واسطه خلاقیت در بعد بسط، - معنادار به دست نیامد. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که ابعاد سیالی و ابتکار، میانجی رابطه تاب‌آوری و خودکارآمدی و ابعاد سیالی، ابتکار و انعطاف‌پذیری، میانجی رابطه خودپنداشت با خودکارآمدی هستند.

واژه‌های کلیدی: تاب‌آوری، خودپنداشت، خلاقیت، خودکارآمدی، معلولان جسمی

Abstract

This study was aimed to determine the roles of resiliency, self-concept, and creativity (as a mediator) in predicting self-efficacy of handicapped females who were over 15 years old living in the city of Gorgan in 2012. Seventy one females completed the Conner-Davidson Resilience Scale (2003), the Rogers Self-Concept Test (1951), the Abedi Creativity Questionnaire (1992) and the Sherrer General Self-Efficacy Scale (1982). The results indicated that resiliency and self-concept had indirect effects on self-efficacy through fluency and originality dimensions of creativity. However, the indirect effect of resiliency on self-efficacy through flexibility dimension of creativity was not significant. Also, the effect of self-concept on self-efficacy through flexibility dimension of creativity was significant. However, the effect of resiliency and self-concept on self-efficacy through elaboration dimension of creativity was not significant. The findings suggest that the fluency and originality dimensions are mediators of the relationship between resiliency and self-efficacy, and the fluency, originality and flexibility dimensions are mediators of the relationship between self-concept and self-efficacy.

Keywords: resiliency, self-concept, creativity, self-efficacy, handicapped

received: 6 November 2013

accepted: 30 January 2013

دریافت: ۹۱/۷/۱۶

پذیرش: ۹۱/۱۱/۱۱

Contact information: malihehgilak@yahoo.com

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی عمومی است.

مقدمه

از دیدگاه سازمان جهانی بهداشت، معلولیت^۱ مجموعه‌ای از اختلال‌های جسمانی یا ذهنی است که فرد را از ادامه زندگی مستقل فردی و اجتماعی بازمی‌دارد (شفیع‌آبادی، ۱۳۸۲). ناتوانی جسمانی و معلولیت، بر سازش‌یافتگی اجتماعی و سلامت روانی شخص تأثیر می‌گذارد. در افراد ناتوان جسمانی، تنیدگی بیشتری نسبت به سایر افراد عادی وجود دارد (ترنر^۲ و بی‌سر^۳، ۱۹۹۰ نقل از مرادی و کلاتتری، ۱۳۸۶). مرور بررسی‌های انجام‌شده در مورد زنان دچار معلولیت نشان می‌دهد زنان معلول، معلولیتی مضاعف را تحمل می‌کنند. دختران و زنان معلول، بخش قابل توجهی از جامعه افراد معلول را تشکیل می‌دهند. موقعیت زندگی زنان دارای معلولیت، پیچیده و سرشار از موانع بازخوردی، اجتماعی و اقتصادی بر سر راه آسایش اجتماعی-روانی آنهاست (شریفیان‌ثانی، سجادی، طلوعی و کاظم‌نژاد، ۱۳۸۵).

مکینز (۲۰۰۶) با مقایسه آزمودنی‌های دارای مشکلات جسمی-روانی و جمعیت عمومی نشان داد که این افراد به طور مشخصی از خویشتن‌پذیری و حرمت خود پایین‌تری برخوردارند. خودکارآمدی با مقاله آلبرت بندورا^۴ از سال ۱۹۷۷ وارد پیشینه روان‌شناسی شد. از دیدگاه بندورا، خودکارآمدی توانایی فرد در انجام یک عمل خاص، در کنار آمدن با یک موقعیت ویژه است. به عبارتی، خودکارآمدی به قضاوت‌های افراد در رابطه با توانایی‌هایشان برای به ثمر رساندن سطوح طراحی‌شده عملکرد اطلاق می‌شود (جهانی‌ملکی، شریفی، جهانی‌ملکی و نظری‌بولانی، ۱۳۹۰).

چندین دهه پژوهش نشان داد باورهای خودکارآمدی دارای اثرات مثبت در حوزه‌های مختلف زندگی است. برای مثال، باورهای خودکارآمدی می‌توانند به عنوان مکانیزمی بسیار مهم در تغییر درمان‌های روان‌شناختی بیماری‌های روانی باشند (گالاگر، ۲۰۱۲). پرتو و بشارت (۲۰۱۱) در پژوهش خود با بررسی اثرات مستقیم و غیرمستقیم خودکارآمدی و حل مسئله بر سلامت روانی با هدف تعیین نقش راهبردهای مقابله‌ای به عنوان مکانیزم واسطه‌ای در نوجوانان دریافتند خودکارآمدی و

حل مسئله، پیش‌بینی‌کننده‌های مستقیم قدرتمندی برای سلامت روانی بودند. جروسالم و میتاگ (۱۹۹۵) نشان دادند افرادی که خودکارآمدی بالاتری دارند، با تغییرات زندگی سازگاری بهتری دارند.

در نتیجه، پژوهشگران به دنبال یافتن و تقویت متغیرهایی در افراد معلول هستند که سطح سازگاری و کارایی شخصی آنان را افزایش دهد. یکی از مهم‌ترین توانایی‌های انسان که باعث سازگاری مؤثر با عوامل خطر می‌شود، تاب‌آوری^۵ است. تاب‌آوری به قابلیت تطابق^۶ انسان در مواجهه با بلا یا فشارهای جانکاه، غلبه یافتن و حتی تقویت شدن به وسیله آن تجارب اطلاق می‌شود (دینر^۷، لوکاس^۸، شیمک^۹ و هلیول^{۱۰}، ۲۰۰۹ نقل از بشارت و عباسپوردوپلانی، ۱۳۸۹). می‌توان گفت تاب‌آوری، توانمندی فرد در برقراری تعادل زیستی-روانی در شرایط خطرناک است (کانر^{۱۱} و دیویدسون^{۱۲}، ۲۰۰۳ نقل از سامانی، جوکار و صحراگرد، ۱۳۸۶).

در پژوهش‌های جدید روان‌شناختی، خودپنداشت^{۱۳} از جمله موضوعاتی است که توجه زیادی از پژوهشگران را به خود معطوف ساخته است. خودپنداشت، شامل بازخوردها^{۱۴}، احساسات و دانش ما درباره توانایی، مهارت و قابلیت پذیرش اجتماعی است. خودپنداشت تمام ابعاد شناختی، ادراکی، عاطفی و رویه‌های ارزیابی را دربر می‌گیرد (آقاجانی، نریمانی و آسیایی، ۲۰۰۸).

از دیدگاه انسانی‌نگری، ارتباط نزدیکی بین خودپنداشت و خلاقیت فرد تصور می‌شود. در همین راستا، مازلو^{۱۵} (۱۳۷۲/۱۹۸۶) خلاق بودن را به معنای بروز خویشتن به عنوان یک شخص، یعنی شکوفا ساختن توانایی‌های بالقوه که اصطلاحاً، خودشکوفایی^{۱۶} نامیده می‌شود، تعبیر می‌کند. خلاقیت از جمله متغیرهایی است که می‌تواند در افزایش سطح خودکارآمدی مؤثر باشد.

براساس پژوهش‌های انجام‌شده، مهم‌ترین ویژگی افراد خلاق داشتن خودپنداشت بالاست. این افراد خودشان را ارزشمند می‌دانند. هنگامی که فرد، تصور خوبی درباره خود دارد، احساس می‌کند که موجودی تواناست و با اطمینان فکر می‌کند و

1. handicapping
2. Turner, R. J.
3. Beiser, M.
4. Bandura, A.

5. resiliency
6. compatibility
7. Diener, E.
8. Lucas, R.

9. Schimmack, U.
10. Helliwell, J.
11. Conner, K. M.
12. Davidson, J. R. T.

13. self-concept
14. attitudes
15. Maslow, A.
16. self-actualization

دختر ۱۵ سال به بالای شهرستان گرگان در سال ۱۳۹۰ بود. بر اساس ادبیات پژوهش، فرضیه‌های زیر تدوین شدند:

۱. تاب‌آوری و خودپنداشت با میانجی‌گری خلاقیت در بعد سیالی، پیش‌بینی‌کننده میزان خودکارآمدی معلولان جسمی است.
۲. تاب‌آوری و خودپنداشت با میانجی‌گری خلاقیت در بعد ابتکار، پیش‌بینی‌کننده میزان خودکارآمدی معلولان جسمی است.
۳. تاب‌آوری و خودپنداشت با میانجی‌گری خلاقیت در بعد انعطاف‌پذیری، پیش‌بینی‌کننده میزان خودکارآمدی معلولان جسمی است.
۴. تاب‌آوری و خودپنداشت با میانجی‌گری خلاقیت در بعد بسط، پیش‌بینی‌کننده میزان خودکارآمدی معلولان جسمی است.

روش

پژوهش حاضر از نوع علی-مقایسه‌ای است. جامعه پژوهش حاضر، شامل کلیه معلولان جسمی دختر ۱۵ سال به بالا در شهرستان گرگان در سال ۱۳۹۰ است. ابزار مورد استفاده در این پژوهش شامل مقیاس تاب‌آوری^۱، آزمون خودپنداشت^۲، پرسشنامه خلاقیت^۳ و مقیاس خودکارآمدی عمومی شرر^۴ و دیگران هستند.

مقیاس تاب‌آوری (کانر و دیویدسون، ۲۰۰۳). یک ابزار ۲۵ ماده‌ای است که سازه تاب‌آوری را در اندازه‌های پنج درجه‌ای لیکرت از صفر تا چهار می‌سنجد. حداقل نمره تاب‌آوری آزمودنی در این مقیاس، صفر و حداکثر نمره وی ۱۰۰ است. نتایج مطالعه مقدماتی مربوط به ویژگی‌های روان‌سنجی این مقیاس، اعتبار و روایی آن را تأیید کرده است (کانر و دیویدسون، ۲۰۰۳ نقل از بشارت و عباسپوردوپلانی، ۱۳۸۹). اعتبار و روایی فرم فارسی مقیاس تاب‌آوری نیز در مطالعات مقدماتی نمونه‌های بهنجار و بیمار مورد بررسی و تأیید قرار گرفته است (بشارت، ۱۳۸۶ نقل از بشارت و عباسپوردوپلانی، ۱۳۸۹). در این پژوهش ضریب آلفای کرونباخ مقیاس برابر با ۰/۸۶ و قابل قبول به دست آمد. روایی این سازه نیز در ایران توسط بشارت (۱۳۸۶) تأیید شده است. همچنین مشعل‌پور (۱۳۸۹) نقل از بشارت و عباسپوردوپلانی، (۱۳۸۹) با محاسبه ضریب همبستگی این مقیاس با مقیاس سرسختی روان‌شناسی

می‌کوشد که رفتارش توأم با موفقیت باشد تا بعدها موجب افزایش احساس ارزشمندی‌اش شود (حسینی‌دولت‌آبادی، ۱۳۸۶ نقل از زراعت و غفوریان، ۱۳۸۸). مازلو (۱۳۷۲/۱۹۸۶) خلاقیت را یکی از ویژگی‌های خواستاران تحقق خویشتن می‌داند. به عقیده وی این افراد، خود را خوب می‌شناسند و طبیعت خود را به همان صورتی که هست می‌پذیرند، نه آنطور که ترجیح می‌دهند باشند؛ یعنی فقدان حالت دفاعی، ظاهرسازی و نقش بازی کردن یا ژست گرفتن و فقدان هرگونه جهت‌گیری خاص.

از آنجا که بیشتر زندگی درونی یک فرد معلول، درباره ناتوانی دور می‌زند تا درباره توانایی‌ها و قابلیت‌های خویش، خودپنداشت آنها به طور غیرواقعی پایین است. امری که سبب کاهش سطح انگیزشی کلی آنها می‌شود. درواقع خودپنداشت، ماحصل تفاوت بین خود واقعی و خود آرمانی است که معمولاً این تفاوت در معلولان بسیار زیاد است و در نتیجه، دارای خودپنداشت منفی هستند. بنابراین، افزایش سطح خلاقیت در آنها باعث رشد خودپنداشت مثبت هم می‌شود.

ماتیس و برونیک (۲۰۰۹) در پژوهشی به منظور بررسی تأثیر آموزش خلاقیت بر خودکارآمدی خلاق، بر اساس نظریه شناختی اجتماعی، دوره‌ای را برگزار کردند. این دوره به دو شکل پنج روزه و یک روزه اجرا شد. گروه آزمایشی شامل دانشجویان و کارمندان شهرداری (دوره پنج روزه) و دبیران آموزش و پرورش (دوره یک روزه)، و گروه کنترل شامل دانشجویان رشته ریاضی و آمار بودند. نتایج نشان دادند خودکارآمدی به‌طور معنا-داری در هر دو گروه پنج روزه و یک روزه بهبود یافته بود، درحالی که گروه کنترل هیچ تغییری را در خودکارآمدی خلاق نشان نداد. نتایج آزمون پیگیری نیز نشان دادند که پس از دو ماه خودکارآمدی خلاق کاهش نیافته بود.

به نظر می‌رسد وجود ویژگی شخصیتی چون خلاقیت که خصیصه‌ای همگانی است (جلیلی، ۱۳۸۲)، و هر کس به درجات مختلف از آن برخوردار است، می‌تواند به عنوان واسطه‌ای مؤثر در بهبود سطح خودکارآمدی معلولان عمل کند. با توجه به مطالب عنوان‌شده، هدف از پژوهش حاضر تعیین نقش پیش‌بینی‌کنندگی تاب‌آوری و خودپنداشت با میانجی‌گری خلاقیت بر میزان خودکارآمدی معلولان جسمی

شده، شامل ۶۰ ماده و چهار زیرمقیاس سیالی^۴، ابتکار^۵، انعطاف‌پذیری^۶ و بسط^۷ است. این پرسشنامه در یک مقیاس سه‌گزینه‌ای لیکرت بین یک تا سه نمره‌گذاری می‌شود. اعتبار چهار زیرمقیاس از طریق بازآزمایی در دانش‌آموزان مدارس راهنمایی شهر تهران به ترتیب برابر با ۰/۸۵، ۰/۸۲، ۰/۸۴ و ۰/۸۰ به دست آمد (عابدی، ۱۳۷۲ نقل از نوفرستی و معین‌الغریابی، ۱۳۸۹). ضریب روایی آزمون از طریق محاسبه همبستگی با آزمون خلاقیت تورنس (۱۹۶۷) برابر با $r=0/46$ ($P<0/05$) به دست آمد (عابدی، ۱۳۷۲ نقل از نوفرستی و معین‌الغریابی، ۱۳۸۹). خسروانی (۱۳۸۴) نیز روایی و اعتبار این آزمون را در دانشجویان دانشگاه تهران قابل قبول گزارش کرد. **مقیاس خودکارآمدی عمومی** (شرر و دیگران، ۱۹۸۲). این مقیاس دارای ۱۷ ماده است که براساس مقیاس لیکرت پنج‌درجه‌ای (از کاملاً مخالف تا کاملاً موافق) به آن پاسخ داده می‌شود. نمره‌های بالا نشان‌دهنده احساس خودکارآمدی بالا در فرد است. براتی (۱۳۷۶) نقل از کرامتی و شهرآرای، (۱۳۸۳) روایی سازه این آزمون را در یک گروه ۱۰۰ نفری، ۰/۶۱ گزارش کرده که در سطح ۰/۰۵ معنادار بوده است. ضریب اعتبار آزمون با روش اسپیرمن براون با طول برابر ۰/۷۶ و با طول نابرابر ۰/۷۶ و با روش دونیمه کردن گاتمن برابر با ۰/۷۶ به دست آمده است. آلفای کرونباخ یا همسانی کلی ماده‌ها برابر ۰/۷۹ و رضایت‌بخش گزارش شده است. کرامتی و شهرآرای (۱۳۸۳) ضریب اعتبار آن را با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۵ گزارش کرده‌اند. ضریب آلفای کرونباخ این مقیاس در مطالعه حاضر، ۰/۹۱ به دست آمد. برای آزمون صحت مدل نظری تحقیق و محاسبه ضرایب تأثیر، از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری^۸ به وسیله نرم‌افزار لیزرل استفاده شده است.

یافته‌ها

در تحقیق حاضر، برای شاخص‌های برازش مطابق با معیار آلوباتی (۲۰۰۶) عمل شده است. در شکل ۱ ضرایب مسیر بین متغیر تاب‌آوری و ابعاد خلاقیت و همچنین بین متغیر خودپنداشت و چهار بعد خلاقیت محاسبه شده است.

اهواز^۱ (۱۳۷۷) نشان داد، این سازه از روایی نسبتاً بالایی برخوردار است ($r=0/64$).

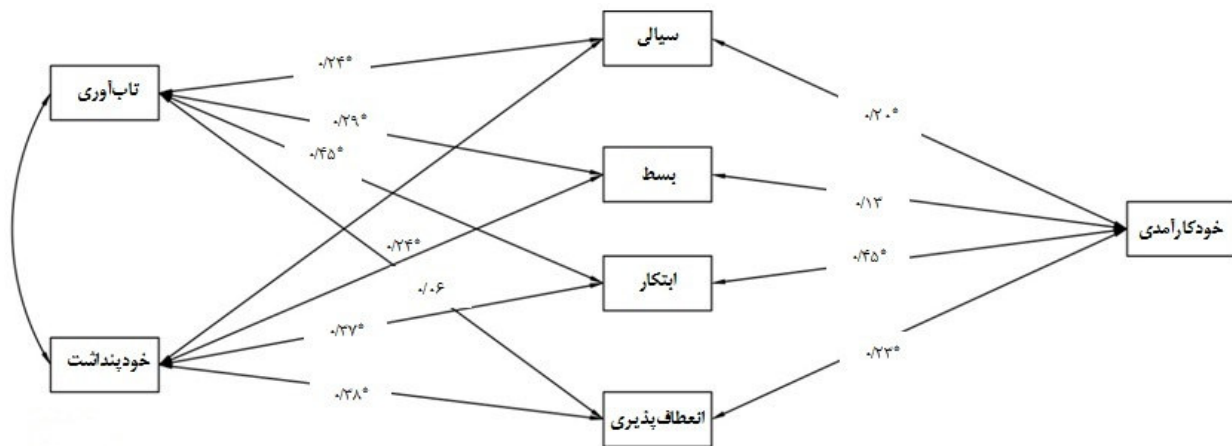
آزمون خودپنداشت (راجرز، ۱۹۵۱). این آزمون، شامل دو فرم الف و ب است که فرم الف، بازخورد فرد را، نسبت به خود واقعی و فرم ب بازخورد فرد را نسبت به خود ایده‌آل، اندازه‌گیری می‌کند. این آزمون شامل ۲۵ رگه شخصیتی متضاد است. فاصله بین هر رگه شخصیتی تا رگه متضاد، براساس یک مقیاس هفت درجه‌ای، نمره‌گذاری شده است. آزمودنی با گذاشتن علامت در یکی از خانه‌ها، ویژگی‌های شخصیتی خود را ارزیابی می‌کند. در پژوهش موسوی (۱۳۷۸) نقل از پاشا، نادری و اکبری، (۱۳۸۷) ضرایب روایی آزمون خودپنداشت راجرز با روش روایی سازه محاسبه شد. همبستگی بین نمره‌های این آزمون با نمره‌های سیاهه افسردگی بک^۲ (۱۹۶۱)، برابر با ۰/۲۵ ($P<0/01$) به دست آمد که حاکی از روایی رضایت‌بخش آزمون مذکور است. همچنین شیخانی (۱۳۸۲) نقل از پاشا و دیگران، (۱۳۸۷)، برای تعیین روایی آزمون خودپنداشت راجرز، از روش روایی سازه استفاده کرد و آن را با سیاهه حرمت خود^۳ (۱۹۶۷)، همبسته کرد. میزان همبستگی آن با فرم الف برابر $r=0/51$ ($P<0/001$) و با فرم ب برابر $r=0/49$ ($P<0/001$) گزارش شده است که بیانگر روایی مطلوب پرسشنامه است. به منظور تعیین اعتبار خودپنداشت راجرز ضریب اعتبار مقیاس مذکور با استفاده از روش بازآزمایی برابر ۰/۴۰ گزارش شده است (پاشا و دیگران، ۱۳۸۷). شیخانی (۱۳۸۲) در پژوهش خود برای سنجش اعتبار آزمون خودپنداشت راجرز با استفاده از روش‌های آلفای کرونباخ و دو نیمه کردن، مقادیر آن را برای فرم الف به ترتیب برابر با ۰/۷۸ و ۰/۵۰ و برای فرم ب به ترتیب برابر با ۰/۷۹ و ۰/۷۳ به دست آورد (پاشا و دیگران، ۱۳۸۷). افزایش (۱۳۸۶) ضرایب اعتبار کل آزمون را با روش آلفای کرونباخ و دو نیمه کردن به ترتیب ۰/۶۸ و ۰/۵۹ محاسبه کرده است. در پژوهش حاضر نیز با استفاده از دو روش آلفای کرونباخ و دو نیمه کردن، اعتبار این آزمون برای کل پرسشنامه به ترتیب برابر با ۰/۷۹ و ۰/۵۵ به دست آمد (پاشا و دیگران، ۱۳۸۷).

پرسشنامه خلاقیت (عابدی، ۱۳۷۲). این پرسشنامه که براساس نظریه تورنس (۱۹۶۷) برای سنجش خلاقیت ساخته

1. Ahvaz Hardiness Inventory
2. Beck Depression Inventory
3. Self-Esteem Inventory

4. fluency
5. originality
6. flexibility

7. elaboration
8. Structural Equation Modeling



* $P < .01$

شکل ۱. مدل تحقیق با ضرایب رگرسیونی استاندارد

NNFI به ترتیب برابر با $0/96$ ، $0/91$ و $0/96$ هستند که همه بالاتر از آستانه برازش مطلوب و مناسب قرار دارند. شاخص‌های RMSEA و SRMR به ترتیب برابر با $0/43$ و $0/57$ هستند که هر دو برازش مناسب مدل را نشان می‌دهند.

در مجموع، نتایج به دست‌آمده از مدل نشان می‌دهند اثر غیرمستقیم متغیر تاب‌آوری بر خودکارآمدی از طریق متغیر خلاقیت در بعد بسط غیرمعنادار است. از طرف دیگر رابطه خودپنداشت با خودکارآمدی با میانجی‌گری خلاقیت در بعد سیالی نیز غیرمعنادار است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت فرضیه چهارم این تحقیق رد می‌شود.

با توجه به نتایج می‌توان دریافت که ابعاد سیالی و ابتکار، میانجی رابطه تاب‌آوری و خودکارآمدی و ابعاد سیالی، ابتکار و انعطاف‌پذیری، میانجی رابطه خودپنداشت با خودکارآمدی هستند.

بحث

با توجه به اینکه در ارتباط با پژوهش حاضر، تحقیق و مقاله مشابهی یافت نشده است، بنابراین بیشتر با توجه به مطالب به دست‌آمده از پژوهش حاضر و پژوهش‌های مرتبط موجود، به بحث در مورد آن می‌پردازیم. بر اساس فرض کلی پژوهش، متغیر خلاقیت در معلولان جسمی دخترا، رابطه بین تاب‌آوری، خودپنداشت و خودکارآمدی آنها را واسطه‌گری می‌کند. به عبارت دیگر، در اینجا نقش واسطه‌ای خلاقیت و در نتیجه، اثر غیرمستقیم خودپنداشت و تاب‌آوری بر میزان خودکارآمدی معلولان مورد نظر است.

همان‌طور که در شکل ۱ مشاهده می‌شود، رابطه‌های تاب‌آوری-انعطاف‌پذیری، تاب‌آوری-ابتکار و بسط-خودکارآمدی، معنادار نیستند. اما سایر رابطه‌ها معنادار هستند.

برای برآورد مدل، از روش حداکثر احتمال و به منظور بررسی برازش مدل، از شاخص‌های مجذور خی‌دو (χ^2)، شاخص نسبت مجذور خی‌دو بر درجه آزادی^۱، شاخص برازش تطبیقی^۲، شاخص برازش هنجار شده^۳، شاخص برازش هنجار نشده^۴، خطای ریشه مجذور میانگین تقریب^۵ و باقیمانده مجذور میانگین استاندارد^۶ استفاده شد ($df=2/52$)، $CFI=0/96$ ، $NFI=0/91$ ، $NNFI=0/96$ ، $RMSEA=0/43$ و $SRMR=0/57$).

اگر مجذور خی‌دو از لحاظ آماری معنادار نباشد، دال بر برازش بسیار مناسب است، اما از آنجا که مدل پژوهش درجه آزادی بسیار بالایی دارد، عملاً امکان کاهش مقدار خی‌دو با حفظ توجیه نظری مدل امکان‌پذیر نیست. اما می‌توان گفت چنانچه شاخص نسبت مجذور خی‌دو بر درجه آزادی، کوچک‌تر از سه باشد، برازش بسیار مطلوب را نشان می‌دهد. این نسبت برای مدل بالا $2/52$ است که پایین‌تر از آستانه مورد قبول بوده و لذا برازش مناسب مدل را نشان می‌دهد. از سوی دیگر در صورتی که شاخص‌های CFI ، NFI و $NNFI$ بزرگ‌تر از $0/90$ باشند، برازش مناسب مدل نتیجه می‌شود. به‌علاوه اگر شاخص‌های $RMSEA$ و $SRMR$ ، کوچک‌تر از $0/05$ باشند، دال بر برازش بسیار مطلوب و بسیار مناسب بوده و مقدار کوچک‌تر از $0/08$ ، بر برازش مطلوب و مناسب دلالت دارد. همان‌طور که مشاهده می‌شود شاخص‌های CFI ، NFI و

1. Degree of Freedom (df) 3. Normed Fit Index (NFI) 5. Root Mean Square Error of Approximation (RMSEA)
 2. Comparative Fit Index (CFI) 4. Non-Normed Fit Index (NNFI) 6. Root Mean Square Residual (RMR)

یافته‌ها نشان دادند تاب‌آوری و خودپنداشت مثبت و دارا بودن بعد سیالی خلاقیت در معلولان جسمی می‌تواند افزایش سطح خودکارآمدی آنها را پیش‌بینی کند. یافته‌های پژوهش در این قسمت می‌توانند با نتایج حاصل از پژوهش‌های زیر همسو و مرتبط باشند. آزادی و آزاد (۱۳۸۹) در تحقیق خود با هدف بررسی رابطه بین حمایت اجتماعی، تاب‌آوری و سلامت روانی دریافتند بین حمایت اجتماعی و تاب‌آوری و نیز بین تاب‌آوری و سلامت روان، همبستگی معناداری وجود دارد. در اینجا می‌توان اینگونه استدلال کرد که چون تاب‌آوری باعث افزایش سلامت روان شده است، پس می‌تواند باعث افزایش سطح کارآمدی فرد نیز شود. سیمونز، کاپو، آدریانسنز، دلبروک و واندنوش (۲۰۱۱)، در پژوهشی به بررسی و مقایسه خودپنداشت و خودپنداشت بدنی در دو گروه از نوجوانان دارای اختلال‌های روان‌شناختی و بدون اختلال‌های روان‌شناختی پرداختند. یافته‌ها نشان داد خودپنداشت در گروه دارای اختلال‌های بالینی کمتر از گروه دیگر بوده و همچنین خودپنداشت دخترها کمتر از پسرها بود.

همچنین مشخص شد تاب‌آوری و خودپنداشت مثبت و دارا بودن بعد ابتکار خلاقیت در افراد معلول نیز، می‌تواند افزایش سطح خودکارآمدی آنها را پیش‌بینی کند. سامانی و دیگران (۱۳۸۶)، پژوهشی را با هدف بررسی تأثیر تاب‌آوری بر سلامت روانی و رضایت از زندگی بر روی دانشجویان دانشگاه شیراز انجام دادند که نتایج نشان داد تاب‌آوری به واسطه کاهش مشکلات هیجانی و افزایش سطح سلامت روان، باعث افزایش رضایتمندی از زندگی می‌شود. رحیمیان‌بوگر و اصغرنژادفرید (۱۳۸۷)، پژوهشی در مورد بررسی رابطه سرسختی روان‌شناختی و تاب‌آوری با سلامت روان بازماندگان زلزله بم انجام دادند و نتایج نشان داد بین سرسختی و تاب‌آوری با سلامت روان رابطه مثبت معناداری وجود دارد و تاب‌آوری و سرسختی توان پیش‌بینی معنادار سلامت روان را دارند ($P < 0/001$). همچنین چیره‌نژاد (۱۳۸۹)، هم در پژوهش خود به این نتیجه رسید که بین خودپنداشت مثبت و تفکر خلاق رابطه معنادار وجود دارد.

ماتیسن و برونیک (۲۰۰۹) در پژوهشی تأثیر آموزش خلاقیت را بر خودکارآمدی خلاق مورد بررسی قرار دادند. نتایج حاصل از پژوهش نشان دادند سطح خودکارآمدی به طور

معناداری هم برای دانشجویان و هم برای کارمندان شهرداری افزایش یافت. بشارت و عباسپوردیپلانی (۱۳۸۹) پژوهشی به‌منظور بررسی رابطه راهبردهای فراشناختی و خلاقیت با تاب‌آوری دانشجویان انجام دادند که نتایج به دست آمده نشان داد بین خلاقیت و تاب‌آوری رابطه مثبت معنادار و بین راهبردهای فراشناختی و خلاقیت با تاب‌آوری رابطه چندگانه‌ای وجود دارد. این پژوهش‌ها نیز وجود رابطه معنادار بین متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد.

افراد تاب‌آور قادرند به‌طور مؤثرتری از عهده رویدادهای ناخوشایند یا پیچیده زندگی خود برآمده و خوش‌بینی و مثبت‌اندیشی بیشتری دارند. آنها در کوشش‌های خود ثابت‌قدم‌ترند، اعتماد بیشتری به توانایی‌های خود دارند، در انجام تکالیف پشتکار دارند و غالباً نتیجه عملکرد آنان در سطح بالایی است. با توجه به نتایج تحقیق، رابطه مثبت معنادار بین تاب‌آوری و خلاقیت وجود دارد که با یافته‌های گاردنر (۲۰۱۰) و جیمز و آسموس (۲۰۰۸) همسو است.

افراد معلول جسمی همیشه درگیر تنش‌ها و تنیدگی‌های زیادی در طول زندگی خود هستند که همواره ذهن آنها را به خود درگیر کرده و در اکثر موارد ناتوانی آنها زیر سؤال می‌رود. به طوری که با کوچک‌ترین شکستی، احساس حقارت کرده و بیشتر از قبل ناامید و دلسرد می‌شوند. بنابراین، خواسته یا ناخواسته، مسیر زندگی‌شان را طوری هدایت می‌کنند که از چنین موقعیت‌هایی که توانایی فردی آنها مورد آزمون قرار می‌گیرد، پرهیز کنند. بدین ترتیب، این احساس منفی نسبت به خودشان و همچنین نسبت به دیگران و محیط اطراف، هر روز بیش از پیش در آنان تقویت می‌شود.

آنچه در این بین اهمیت ویژه‌ای دارد، افزایش سطح خودکارآمدی معلولان است. پرتو و بشارت (۲۰۱۱)، در پژوهش خود به بررسی تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم خودکارآمدی و حل مسئله بر روی سلامت روان با هدف بررسی نقش راهبردهای مقابله‌ای به عنوان مکانیزم واسطه‌ای در نوجوانان پرداختند. نتایج نشان داد خودکارآمدی و حل مسئله، پیش‌بینی‌کننده‌های مستقیم قدرتمندی برای سلامت روان بودند.

تاب‌آوری بالا در کنار خودپنداشت مثبت، ویژگی‌هایی است

خلاقیت، انسان را از پایداری بیش از حد و بدون منطق به یک یا دو راه حل محدود که ویژگی افراد متعصب و غیرمنصف است، رها می‌کند.

دیگر نتایج به دست آمده از مدل نشان دادند اثر غیرمستقیم متغیر تاب‌آوری و خودپنداشت نیز بر خودکارآمدی از طریق متغیر خلاقیت در بعد بسط، غیرمعنادار است. بدین معنا که، تاب‌آوری بالا و خودپنداشت مثبت و داشتن بعد بسط خلاقیت در افراد معلول، هیچ‌یک، افزایش خودکارآمدی آنها را پیش‌بینی نمی‌کند.

با توجه به مطالب عنوان شده، نتایج پژوهش نشان می‌دهند رابطه قوی‌تری بین خودپنداشت، خلاقیت و خودکارآمدی معلولان وجود دارد. بنابراین بهتر است که در افراد معلول، بر رشد و پرورش «خود» و خودپنداشت مثبت بیشتر تمرکز شود.

معلولان جسمی، قشری از جامعه هستند که همواره به دلیل مشکلات عدیده روانی و جسمی و اینکه برای بسیاری از کارهای ساده خود نیز به دیگران وابسته هستند، از خودپنداشت منفی رنج می‌برند. بنابراین خود را از صحنه زندگی کنار می‌کشند و تمام تصمیمات زندگی را به دیگران می‌سپارند.

انسان‌های خلاق و کاوشگر چون دیگران را دوست دارند پس برای خودشان هم ارزش قائل‌اند و همین دوست داشتن خود موجب تلاش بیشتر برای بهبود زندگی می‌شود. در افرادی با این خصوصیات، احساس نیاز به دیگران خیلی کم است، و از اینکه به کسی متکی باشند، احساس ناخشنودی می‌کنند. در نتیجه، تمام فعالیت‌های خود را به سمت مستقل شدن انتخاب می‌کنند و از این رو سطح کارایی خویش را افزایش خواهند داد.

از آنجایی که شرکت‌کنندگان در پژوهش حاضر معلولان جسمی دختر شهرستان گرگان هستند، بنابراین در تعمیم نتایج آن به سایر مناطق جغرافیایی رعایت احتیاط الزامی است. همچنین، پژوهش حاضر فقط بر روی معلولان جسمی دختر انجام شده و نتایج حاصل از آن قابل تعمیم به معلولان پسر نیست. با توجه به مطالب عنوان شده، پیشنهاد می‌شود که پژوهش مشابهی بر روی معلولان پسر و یا در هر دو جنس و به صورت مقایسه‌ای انجام گیرد. همچنین در پژوهش‌های آینده، سایر متغیرهای احتمالی که ممکن است در افزایش یا بهبود سطح خودکارآمدی معلولان و یا بالعکس در کاهش آن تأثیر داشته باشند، بررسی و مطالعه شوند.

که قادرند به معلولان در شرایط خاص و پرخطر کمک کنند تا بتوانند بر مشکلات فائق آیند. در این بین عاملی که می‌تواند باعث رشد و بهبود این دو ویژگی در معلولان شود، خلاقیت است. فرد خلاق، مسائل را به گونه‌ای دیگر تجزیه و تحلیل کرده و از همه مهم‌تر اینکه، هیچگاه دلسرد و ناامید نشده و به تلاش خود تحت هر شرایطی ادامه می‌دهد. این همان نکته‌ای است که این پژوهش تلاش کرده تا به آن دست یابد. به نظر می‌رسد با وجود تمام محدودیت‌ها و ضعف‌های جسمانی که این معلولان دارند، توانسته‌اند از برخی جهات خود را با شرایط سخت و ویژه‌ای که دارند سازگار کرده و سطح کارایی خود را بهبود بخشند.

اما از طرفی، اثر غیرمستقیم تاب‌آوری بر خودکارآمدی از طریق خلاقیت در بعد انعطاف‌پذیری معنادار نیست. ولی رابطه خودپنداشت با خودکارآمدی با میانجی‌گری خلاقیت در بعد انعطاف‌پذیری معنادار است. لذا می‌توان نتیجه گرفت فرضیه سوم در مورد متغیر تاب‌آوری، رد و در مورد متغیر خودپنداشت تأیید می‌شود، یعنی تاب‌آوری بالا در افراد معلول دارای بعد انعطاف‌پذیری خلاقیت، افزایش سطح خودکارآمدی آنها را پیش‌بینی نمی‌کند ولی خودپنداشت مثبت و داشتن بعد انعطاف‌پذیری خلاقیت در این افراد، آن را پیش‌بینی می‌کند. نریمانی و موسی‌زاده (۲۰۱۰)، در پژوهش خود، حرمت خود و خودپنداشت دانش‌آموزان دختر و پسر دارای اختلال جسمی و بدون ناتوانی جسمی را مقایسه کردند. نتایج تحلیل واریانس چندمتغیره نشان داد تفاوت معناداری بین دو گروه وجود دارد بدین معنی که حرمت خود گروه دانش‌آموزان عادی بهتر از گروه دانش‌آموزان معلول بود اما خودپنداشت معلولان بهتر از دانش‌آموزان عادی بود. در تبیین این بخش از فرضیه سوم می‌توان چنین گفت که بعد انعطاف‌پذیری خلاقیت، در نقش میانجی بین تاب‌آوری و خودکارآمدی، قادر به بهبود سطح کارایی شخصی معلولان جسمی نیست. انعطاف‌پذیری، به معنی توانایی تولید ایده‌های گوناگون است. یعنی اگر چنانچه راه‌حل‌های بهتر و متنوع‌تری در دسترس باشند و یا به ذهن فرد برسند، او قادر است از راه‌حل قبلی دست کشیده و به مسیرها و راه‌های جدید و متنوع روی آورد. به عبارت دیگر، این وجه از

با تفکر خلاق در بین دانش‌آموزان پسر دبیرستان‌های منطقه ۴ تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران.

خسروانی، س. (۱۳۸۴). *رابطه خلاقیت با پنج عامل شخصیت و سلامت روان.* پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.

رحیمیان‌بوگر، ا. و اصغرنژادفرید، ع. ا. (۱۳۸۷). *رابطه سرسختی روانشناختی و خودتاب‌آوری با سلامت روان در جوانان و بزرگسالان بامانده زلزله شهرستان بم.* *مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، ۱۴ (۱)، ۷۰-۶۲.

زراعت، ز. و غفوریان، ع. (۱۳۸۸). *اثربخشی آموزش حل مسئله بر خودپنداشت تحصیلی دانشجویان.* *مجله راهبردهای آموزش*، ۲ (۱)، ۲۳-۲۶.

سامانی، س.، جوکار، ب. و صحراگرد، ن. (۱۳۸۶). *تاب‌آوری، سلامت روانی و رضایتمندی از زندگی.* *مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، ۱۳ (۳)، ۲۹۵-۲۹۰.

شریفیان‌ثانی، م.، سجادی، ح.، طلوعی، ف. و کاظم‌نژاد، ا. (۱۳۸۵). *دختران و زنان دچار معلولیت جسمی-حرکتی: نیازها و مشکلات توانبخشی.* ۷ (۲)، ۴۸-۴۱.

شفیع‌آبادی، ع. (۱۳۸۲). *توانبخشی شنلی و حرفه‌ای معلولان.* تهران: انتشارات جنگل.

شپخان، م. (۱۳۸۲). *مقایسه تأثیر یادگیری مشارکتی و آموزشی سنتی بر عملکرد تحصیلی، یادداری مطالب، انگیزه پیشرفت و خودپنداشت دانش‌آموزان پسر سال دوم متوسطه نظری شهر بوشهر.* پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز.

عابدی، ج. (۱۳۷۲). *خلاقیت و شیوه‌ای نو در اندازه‌گیری آن.* *پژوهش‌های روان‌شناختی*، ۲، ۵۴-۴۶.

کرامتی، ه. و شهرآرای، م. (۱۳۸۳). *بررسی نقش خودکارآمدی ادراک‌شده در عملکرد ریاضی.* *مجله علوم انسانی، نوآوری‌های آموزشی*، ۴ (۱)، ۱۱۵-۱۰۳.

مازلو، آ. ا. (۱۳۷۱). *به سوی روان‌شناسی بودن.* ترجمه ا. رضوانی. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی (تاریخ انتشار اثر اصلی، ۱۹۸۶).

مرادی، ا. و کلانتری، م. (۱۳۸۶). *آموزش مهارت‌های زندگی بر*

پژوهش‌ها نشان‌دهنده آموختنی بودن مهارتی چون خلاقیت است، بنابراین می‌توان با آموزش این مهارت به افراد معلول، سطح سلامت روانی و هیجانی آنان را افزایش داد که باعث ایجاد خودپنداشت مثبت و افزایش سطح تاب‌آوری آنها و در نهایت، افزایش سطح کارایی شخصی آنان می‌شود. پیشنهاد می‌شود در مدارس و مراکز توانبخشی، به جای استفاده از روش‌های خشک و یکنواخت رایج آموزشی، از سیستم‌های آموزشی آزاداندیشانه و انعطاف‌پذیر (کودک‌محور) استفاده کنند که کودکان و دانش‌آموزان را خلاق بار می‌آورند. برای پرورش خلاقیت، باید به کودکان و نوجوانان امکان تفکر و اگر داده شود و آنان را از انجام فعالیت‌های کلیشه‌ای و قالبی برحذر داشت.

منابع

آزادی، س. و آزاد، ح. (۱۳۸۹). *بررسی رابطه حمایت اجتماعی، تاب‌آوری و سلامت روانی دانشجویان شاهد و ایثارگر دانشگاه‌های شهر ایلام.* *مجله علمی-پژوهشی طب جانباز*، ۳ (۱۲)، ۵۸-۴۸.

افراشته، ز. (۱۳۸۶). *مقایسه سلامت عمومی، شادکامی و خودپنداشت در زمان بارداری خواسته و ناخواسته شهر ایزد.* پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز.

بشارت، م. ع. و عباسپوردولانی، ط. (۱۳۸۹). *رابطه راهبردهای فراشناختی و خلاقیت با تاب‌آوری در دانشجویان.* *یافته‌های نو در روان‌شناسی*، ۵ (۱۴)، ۱۲۲-۱۰۹.

پاشا، غ.، نادری، ف. و اکبری، ش. (۱۳۸۷). *مقایسه تصویر بدنی، شاخص حجم بدنی، سلامت عمومی و خودپنداشت بین افرادی که جراحی زیبایی انجام دادند، افراد متقاضی جراحی زیبایی و افراد عادی شهرستان بهبهان.* *یافته‌های نو در روان‌شناسی*، ۲ (۷)، ۸۰-۶۱.

جلیلی، م. (۱۳۸۲). *بررسی رابطه رضایت شنلی و میزان خلاقیت مدیران آموزش.* پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت برنامه‌ریزی.

جهانی‌ملکی، س.، شریفی، م.، جهانی‌ملکی، ر. و نظری‌بولانی، گ. (۱۳۹۰). *رابطه سطح آگاهی از مهارت‌های زندگی با باورهای خودکارآمدی در دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی.*

فصلنامه پژوهش‌های نوین روان‌شناختی، ۶ (۲۲)، ۵۶-۲۶.

چیره‌نژاد، ع. (۱۳۸۹). *بررسی رابطه بین مکان کنترل و خودپنداشت*

- 483-489.
- Mathisen, G. E., & Bronnick, K. S. (2009).** Creative self-efficacy: An intervention study. *International Journal of Educational Research*, 48 (1), 21-29.
- Narimani, M., & Mousazzadeh, T. (2010).** Comparing self-esteem and self-concept of handicapped and normal students. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 2 (2), 1554-1557.
- Olobatuyi, M. E. (2006).** *A user's guide to path analysis*. Lanham, MD: University Press of America.
- Parto, M., & Besharat, M. A. (2011).** The direct and indirect effects of self-efficacy and problem solving on mental health in adolescents: Assessing the role of coping strategies as mediating mechanism. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 30, 639- 643.
- Rogers, C. R. (1951).** *Client- centered therapy: Its current practice, implications and theory*. Boston: Houghton Mifflin.
- Sherer, M., Maddux, J., Mercandante, B., Dunn, S., Jacobs, B., & Rogers, R. (1982).** The Self-Efficacy Scale: Construction and validation. *Psychological Reports*, 51, 663-671.
- Simons, J., Capio, C. M., Adriaenssens, P., Delbroek, H., & Vandenbussche, L. (2011).** Self-concept and physical self-concept in psy-chiatric children and adolescents. *Research in Developmental Disabilities*, 33 (3), 874- 881.
- Torrance, E. P. (1967).** *Torrance Test of Creative Thinking Norms: Technical manual*. Lexington Personal Press.
- نیمرخ روانی زنان دارای ناتوانی جسمی-حرکتی شهر اصفهان. فصلنامه پژوهش در حیطه کودکان استثنایی، ۱۹، ۵۷۶-۵۵۹.
- نوفرستی، ا. و معین‌الغربایی، ف. (۱۳۸۹). هوش هیجانی و خلاقیت در دانشجویان. فصلنامه علمی-پژوهشی روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی، ۷ (۲۶)، ۱۸۵-۱۷۵.
- Aghajani, S., Narimani, M., & Asiaei, M. (2008).** The comparative study of emotional intelligence and self-concept of normal and gifted students. *Research on Exceptional Children*, 8 (3), 317-323.
- Conner, K. M., & Davidson, J. R. T. (2003).** Development of a new resilience scale: The Conner-Davidson Resilience Scale (CD- RISC). *Depression and Anxiety*, 18, 76-82.
- Gallagher, M. W. (2012).** Self-efficacy in V. H. Ramachadran (2nd ed.), *Encyclopedia of human behavior* (pp. 314-320). Elsevier.
- Gardner, H. (2010).** *Intelligence reframed. Multiple intelligences for the 21st century*. New York: Basic Books.
- James, K., & Asmus, Ch. (2008).** Personality, resiliency and creativity in different life domains. *Creativity Research Journal*, 13 (2), 149-159.
- Jerusalem, M., & Mittag, W. (1995).** Self-efficacy in stressful life transitions. In A. Bandura (Ed.), *Self-efficacy in changing societies* (pp.177- 201). New York, Cambridge: University Press.
- Macinnes, D. L. (2006).** Self-esteem and self-acceptance: An examination into their relationship and their effect on psychological health. *Journal of Psychiatric and Mental Health Nursing*, 13 (5),